

ترجمان علوم اجتماعی

## جامعہ فرسودگی؛ جامعہ شفافیت

>

بیونگ چول ہان

ترجمہ محمد معاریان



ترجمان علوم اجتماعی

## فهرست | <

- ۱۱ مقدمه مترجم
- ۱۳ [بحش اول] جامعه فرسودگی
- ۱۵ [۱] قدرت نوری
- ۲۵ [۲] وراى جامعه انصاطى
- ۳۱ [۳] ملال عمیق
- ۳۷ [۴] ریدگی فعال
- ۴۵ [۵] فنّ تعلیم نگرست
- ۵۱ [۶] پرونده نارتلى
- ۵۹ [۷] جامعه حسته حان
- ۶۷ [۸] جامعه فرسودگی
- ۹۱ [بحش دوم] جامعه شفافیت
- ۹۳ دیباچه
- ۹۷ [۹] جامعه ایجاب محور
- ۱۰۷ [۱۰] جامعه نمایش محور
- ۱۱۵ [۱۱] جامعه گواهی محور
- ۱۲۳ [۱۲] جامعه هرره نگاری
- ۱۳۳ [۱۳] جامعه شتاب محور
- ۱۳۹ [۱۴] جامعه صمیمیت محور
- ۱۴۳ [۱۵] جامعه اطلاعات محور
- ۱۴۹ [۱۶] جامعه پرده بردار

## قدرت نوروئی

هر عصر انتلائات خاص خود را دارد به همین موال، یک عصر ناکتری وجود داشت که بالاحره ناکشف آنتی بیوتیک‌ها پایان یافت با وجود ترس گسترده از همه‌گیرشدن آنفولانرا، مادر عصر ویروس هم زندگی نمی‌کیم به لطف فناوری ایمنی شناسی، چنان عصری را پشت سر گذاشته‌ایم از مطر آسیب‌شاحتی، نه ناکتری‌ها یا ویروس‌ها، بلکه نوروں‌ها شاحص تعیین‌کننده قرن بیست و یکم هستند که تازه در ابتدای راهش هستیم ناحوشی‌های نوروں‌شاحتی از قبیل افسردگی، احتلال کم‌توحهی-بیش‌فعالی، احتلال شخصیت مرری و سدزم فرسودگی علامت‌های شاحص آسیب‌های سلامت در آغاز قرن بیست و یکم‌اند آن‌ها عموت نیستند، بلکه سکنه‌اند، نتیحه آن نمی، که چیره‌های بیگانه برای سیستم ایمنی بدن نه نار می‌آورید، نیستند، بلکه نتیحه ریادت ایحاب‌اند نه همین خاطر، از چنگ همه آن فووں و فناوری‌هایی که دسال مازره نایچیره‌های بیگانه‌اند می‌گیرید

به‌کل از طرح سامان‌دهی و دفاع ایمنی‌شماحتی می‌گیرد. نشانه‌ی جامعه‌ی معاصر روال‌دیگری‌بودگی و بیگانه‌بودگی است. دیگری‌بودگی نماینده‌ی یک مقوله‌ی سیادین در ایمنی‌شناسی است. هر واکنش ایمنی‌شماحتی واکنش به «دیگری‌بودگی» است. ولی اکسون دیگری‌بودگی دارد. حای خود را به «تفاوت» می‌دهد که مستلزم واکنش ایمنی‌شماحتی بیست تفاوت‌پسا-ایمنی‌شماحتی (یا درواقع پست‌مدرن) هیچ‌کس را ندحال نمی‌کند. این تفاوت، در ادبیات ایمنی‌شناسی، نماینده‌ی «مشانه» است. چینی تفاوتی فاقد بیش آن بیگانه‌بودگی ای است که واکنش شدید ایمنی‌شماحتی را برمی‌انگیخت. صفت بیگانه‌بودگی از کار می‌افتد تا به فرمول مصرف‌فروکاسته شود. بیگانه‌حای خود را به عریه‌ی حداد می‌دهد. توریست در آن سیاحت می‌کند. توریست (یعنی مصرف‌کننده) دیگری یک اُنژه‌ایمنی‌شماحتی بیست

متعاقباً، روبرتو اسپوریتو<sup>۱</sup> یک فرص نادرست را مسای نظریه‌ی مصون‌بودگی<sup>۲</sup>

خودش می‌گیرد

در هرکدام از رورهای سالیان اخیر، احتمال دارد در سرحط احبار نا‌گراشی از یک مجموعه‌ی آشکارا بی‌ربط از رحدادها مواحه شوید. رحدادهایی مانند مقاله‌ی نا‌شیوع دوباره‌ی یک بیماری همه‌گیر، مخالفت نا‌تقاضای استرداد رئیس یک دولت خارجی که متهم به نقض حقوق بشر است، تقویت مواع در مساره‌ی نا‌مهاجرت غیرقانونی، و استراتژی‌های حشی‌کردن جدیدترین ویروس رایانه‌ای چه وحه مشترکی دارند؟ تا وقتی آن‌ها را در حوره‌های محراری پرشکی، حقوق، سیاست‌ورری اجتماعی و فناوری اطلاع‌رسانی تفسیر کنیم، هیچ ولی اوصاع عوص می‌شود اگر احباری از اس دست را نا‌استفاده از یک مقوله‌ی تفسیری بحوانیم، مقوله‌ای

قرن گذشته دوره‌ای ایمنی‌شماحتی<sup>۱</sup> بود. آن عصر می‌خواست تمایز و اصحی میان درون و بیرون، دوست و دشمن، حویشتن و دیگری‌بیاند. حگ سرد هم تابع الگوی ایمنی‌شناسی بود. در حقیقت، ران حگ سرد، که سراسر مشرب نظامی داشت، بر پارادایم ایمنی‌شناسی قرن پیش حاکم بود. حمله و دفاع شماحص‌های فعلی ایمنی‌شماحتی‌اند. دیسپوریتیف<sup>۲</sup> ایمنی‌شماحتی، که از دامنه‌ی محدود حیات اجتماعی می‌گذرد و به کل حیات جمعی سسط می‌یاند، یک نقطه‌ی کور دارد. مساره یا پیش‌گیری بصیب هر چیر بیگانه‌ای می‌شود. بیگانه، بدین معنا، هدف دفاع ایمنی است. حتی اگر بیت حصمانه‌ای نداشته باشد، حتی اگر هیچ حظری پیش بیاورد، به خاطر «دیگری‌بودگی» اش حذف می‌شود.

در ایام اخیر، شاهد شیوع گفتمان‌هایی درباره‌ی جامعه‌ی بوده‌ایم که الگوهای ایمنی‌شماحتی را صراحتاً برای تبیین به کار می‌گیرند. ولی رواج گفتمان ایمنی‌شماحتی را نباید نشانه‌ی آن دانست که جامعه‌ی اکسون، بیش از همیشه، حول صفوف ایمنی‌شناسی سارمان یافته است. وقتی یک پارادایم به حایی رسیده است که به یک اُنژه‌اندیشه‌ی فروکاسته می‌شود، اغلب به این معناست که حان سپردش قریب‌الوقوع است. نظریه‌پردازان نگفته‌اند که مدتی است یک تعبیر پارادایم در حریان است. حگ سرد دقیقاً همان رمانی پایان یافت که این تعبیر پارادایم در حال وقوع بود. جامعه‌ی معاصر روربه‌رور بیشتر ششیه‌ی مطومه‌ای می‌شود که

۱ immunological ایمنی‌شناسی نکی از ساحة‌های رسب‌برشکی است که به بررسی انواع واکنش ایمنی‌حانداران در برابر آبی‌رن‌های بیگانه و رویداد اتحاد مصوبیت در برابر عوامل بیماری‌زای می‌پردازد. اس علم هم به حبه‌های فریولوریک ناسح دفاعی بدن به عوامل بیگانه، و هم به حبه‌های ناتولوریک سنسوم ایمنی مانند شماربهای خودایمنی، حساسیت، نقص ایمنی، واکسناسون و سویداعصا می‌پردازد [مرحوم]

۲ dispositive در اندسه‌ی فوکو به مجموعه‌ی ناهمگونی از همه‌گفتمان‌ها، نهادها، فوم‌های معماری، فوانس، ابزارهای اداری، نسانه‌های علمی و گزاره‌های فلسفی و اخلاقی گفته می‌شود که احزای دسنورسیف را سکل می‌دهند. خود دسنورسیف نظام روابطی است که مسان اس عناصر برقرار است. آگامس دسنورسیف را مجموعه‌ی نمان حبرهایی می‌داند که به گونه‌ای طرفیت صسط، حبه‌دهی، نعس، الگوسازی، کنرل نا‌بصس رسب‌ها، رهبارها، نظرات نا‌گفتمان‌های موحداد ریده را دارند [مرحوم]

1 Roberto Esposito

2 *immunitas*